

## تأثیر خویشاوندی در جرم ربا

سید محمد حسینی\*

دانشیار گروه حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

\*\*

علی مراد حیدری

استادیار گروه حقوق دانشگاه حضرت معصومه (س) قم

## چکیده

تحریم ربا مستند به عموماً ادله کتاب و سنت است لکن روایاتی عموماً این ادله را در مورد پدر و فرزند و زن و شوهر تخصیص زده است. بعضی با خدشه در سند روایات، قائل به عمومیت تحریم ربا هستند لکن مشهور فقهاء سند بعضی روایات را صحیح و ضعف بعضی دیگر را قابل جبران به عمل مشهور می دانند.

از حیث دلالت، از جمله "لا ربا بین الوالد و ولده" سه گونه برداشت شده است: نهی ربا بین پدر و فرزند و زن و شوهر، نهی حکم به لسان نفی موضوع (مجازاً) و نفی موضوع (حقیقتاً) لکن به رفع تشریحی که نتیجه آن، رفع حکم تحریم ربا است. طبق دو قول اخیر گرفتن سود بین این افراد جائز است.

در مورد تحریم ربا بین جد پدری و فرزند زاده، مادر و فرزند، زوج و زوجه منقطع و مطلقه رجعیه اختلاف نظر وجود دارد.

واژگان کلیدی:

ربا، پدر، فرزند، زن، شوهر، جد پدری، زوجه منقطعه.

\* فاکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر شده از این نویسنده در همین مجله، به صفحه پایانی این مقاله نگاه کنید.

xx استادیار گروه حقوق دانشگاه حضرت معصومه (س) قم

[Email:heydarilaw@gmail.com](mailto:heydarilaw@gmail.com)

ربا خواری یکی از بزرگ ترین محرمات شریعت اسلامی و حرمت آن ضروری دین و مورد اتفاق فرق اسلامی است به طوری که حلال شمارنده آن مرتد محسوب می شود. پیامبر اکرم (ص) در وصیتش به علی (ع) ربا را بدتر از هفتاد زنا با محارم دانست (عاملی، ۱۳۶۷، ۴۲۶). با وجود تحریم شدید ربا، از حیث فقهی در بین خویشاوندان خاص (پدر - فرزند و زن - شوهر) أخذ ربا جایز است. این حکم فقهی در تبصره ۳ ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی این گونه منعکس شده است: "هر گاه قرارداد مذکور [قرارداد متضمن سود] بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود ... مشمول مقررات این ماده نخواهد بود." بحث در این زمینه را در دو قسمت فقهی و حقوقی پی می گیریم:

### گفتار نخست: تحلیل فقهی

بررسی فقهی مسأله دارای اهمیت فراوان و بلکه مبنای بحث حقوقی در این زمینه است. تحلیل فقهی در این مسأله را در دو قسمت دنبال می کنیم.

### بند نخست: آرای فقهی

با بررسی این موضوع در آثار و کتب فقهی می توان گفت در بین فقهای شیعه سه دیدگاه مختلف در این زمینه وجود دارد که ذیلاً به بررسی آن ها می پردازیم. لکن از آن جا که مستند اصلی فقها، روایات وارده از معصومین (ع) بوده و تفاوت نظر آنان ناشی از نحوه استنباط از این نصوص است، بنابراین قبل از طرح نظرات فقهی، ذکر عین روایات ضروری است:

۱. روایت عمرو بن جمیع از امام باقر (ع) که فرمود: "قال أمير المؤمنين: ليس بين الرجل و ولده ربا" (عاملی، ۱۳۶۷، ۴۲۶)
۲. روایت زراره از امام باقر (ع) که فرمود: "ليس بين الرجل و ولده و بينه و بين عبده و لا بينه و بين أهله ربا، إنما الربا فيما بينك و بين ما لا تملك." (عاملی، ۱۳۶۷، ۴۲۶)
۳. روایتی که شیخ صدوق به صورت مرسل نقل کرده که امام صادق (ع) فرمود: "ليس بين المسلم و بين الذمی ربا، و لا بين المرأة و بين زوجها ربا." (عاملی، ۱۳۶۷، ۴۲۷)
۴. روایتی که در کتاب فقه الرضا آمده که: "و ليس بين الوالد و ولده ربا، و لا بين الزوج و المرأة." (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ۲۵۸)

پس از ذکر این روایات سه دیدگاه مختلف در این زمینه را مورد بررسی قرار می دهیم:

دیدگاه اول: تحریم ربا بین خویشاوندان همانند بیگانگان؛ سید مرتضی در رسائل (موسوی، ۱۴۰۵ق، ۱۸۲)، محقق اردبیلی (اردبیلی، ۱۴۲۱ق، ۴۸۹)، محقق سبزواری (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ۵۰۱)، شهید صدر در حاشیه منهاج الصالحین (صدر، ۱۴۱۰ق، ۷۵) و بعضی دیگر قائل به عدم جواز أخذ ربا حتی بین پدر و فرزند و زوج و زوجه هستند.

قائلین به حرمت ربا، روایات مربوط به ربا بین پدر و فرزند و زوج و زوجه را از دو جهت مورد خدشه قرار داده اند:

۱. از جهت سند روایات؛ محقق اردبیلی مستند مشهور فقها را روایت عمرو بن جمیع و زراره و محمد بن مسلم و سند آن ها را غیر صحیح و ربا بین پدر و فرزند و زوج و زوجه را مشمول ادله تحریم دانسته است. (اردبیلی، ۱۴۲۱ق، ۴۸۸) مرحوم محقق سبزواری هم روایات را غیر صحیح دانسته و عموم ادله تحریم ربا را قوی می داند. (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ۵۰۱)

ادعای ضعف سند روایات توسط بعضی دیگر و حتی طرف داران عدم تحریم ربا هم مطرح شده است هر چند ضعف آن را قابل جبران به عمل مشهور فقها دانسته اند کما این که مرحوم یزدی (یزدی، ۱۴۲۹ق، ۷۲)، بجنوردی (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۵) و خوانساری (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۲۵۷) هم به ضعف روایات اعتراف نموده لکن به استناد جبران ضعف آن ها به واسطه عمل فقها، نظر مشهور را پذیرفته اند. ضعف روایات از دیدگاه قائلین به این دیدگاه، به خاطر وجود روایانی است که این احادیث را نقل کرده اند. (جواهری، بی تا، ۲۱۷)

۲. از جهت دلالت؛ بدین معنی که در روایات موجود عباراتی نظیر "لا ربا بین الوالد و ولده" وجود دارد و از دید این گروه این گونه عبارات نه تنها بر جواز ربا بین اشخاص مذکور دلالت ندارد بلکه دلالت بر تغلیظ تحریم بین این افراد دارد. چنین استدلالی در کتاب رسائل سید مرتضی مطرح شده است (موسوی، ۱۴۰۵، ق، ۱۸۲)، تفصیل این برداشت در بحث ادبی پیرامون جمله "لاربا بین الوالد و ولده" و ادعای ضعف سند روایات ضمن طرح نظر مشهور فقها مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

دیدگاه دوم: تفصیل بین أخذ سود توسط پدر و فرزند؛ ابن جنید (اسکافی، ۱۴۱۶، ق، ۱۱۷)، محقق اردبیلی طبق یک رأی (اردبیلی، ۱۴۲۱، ق، ۴۸۹) و مرحوم اراکی (اراکي، ۱۴۱۳، ق، ۴۲) معتقدند که عدم ربا در صورتی است که پدر از فرزند سود بگیرد نه بالعکس.

این گروه به "علت" عدم تحریم ربا استناد کرده و معتقدند علت آن، مالکیت بر اموال است و مالکیت تنها از طرف پدر بر اموال فرزند ثابت است و نه عکس آن.

مرحوم اراکی به عنوان یک ادعا مطرح کرده که عبارت "لا ربا بین الوالد و ولده" فقط جواز أخذ زیادی برای طرف اول (پدر) را می‌رساند. وی با استناد به بعضی روایات معتقد است "علت" جواز ربا، ملکیت و تسلط مرد بر فرزند و زوجه و اموال آن هاست و آن چه با این علت مناسبت دارد، گرفتن زیادی از طرف پدر و زوج است. (اراکي، ۱۴۱۳، ق، ۴۲) محقق اردبیلی هم به همین دلیل استناد نموده است. (اردبیلی، ۱۴۲۱، ق، ۴۸۹) این قول شاذ و متروک است و حتی خود مرحوم اراکی هم نهایتاً ادعای فوق را مردود دانسته و قائل به عدم تفصیل شده است چون ظهور احادیث وارده، جواز أخذ زیادی از دو طرف است و از این جهت اطلاق دارد و دلیلی که آن را مقید کرده باشد وجود ندارد.

دیدگاه سوم: عدم تحریم ربا بین پدر و فرزند و زوج و زوجه؛ مشهور فقهای امامیه قائل به همین نظر هستند. سید مرتضی در انتصار (موسوی، ۱۴۱۵، ق، ۴۴۲)، شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۰، ق، ۳۷۶)، صدوق (ابن بابویه، ۱۴۱۵، ق، ۳۷۴)، ابن حمزه (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ق، ۲۵۴)، ابن زهره (حلبی، ۱۴۱۷، ق، ۲۲۶)، ابن ادریس (حلی، ۱۴۱۱، ق، ۲۵۲)، ابن سعید (حلی، ۱۴۰۵، ق، ۲۵۲)، علامه حلی (حلی، ۱۴۱۰، ق، ۳۷۹)، محقق حلی (حلی، ۱۴۱۲، ق، ۱۱۸)، شهیدین (جبعی عاملی، ۱۴۲۷، ق، ۲۹۹)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۷۴، ۳۷۸) و بسیاری دیگر از فقها معتقدند در بین پدر و فرزند و زوج و زوجه ربا وجود ندارد و هر کدام می‌توانند از دیگری سود بگیرند. ادله این گروه عبارتند از:

۱- اجماع: تحقق اجماع بر این مسأله از جانب بسیاری از فقها نقل شده است. صاحب مفتاح الکرامه اجماع بر این حکم را به کتب انتصار، غنیة، تنقیح، ایضاح النافع، سرائر، کشف الرموز، مختلف الشیعه و مفاتیح نسبت داده است. (حسینی عاملی، بی تا، ۵۲۹) سید مرتضی نیز در کتاب الانتصار خود ضمن یادآوری آن چه قبلاً در کتاب رسائل نوشته، با صراحت از آن نظر عدول نموده و علت آن را اجماع اصحاب می‌داند<sup>۱</sup> (موسوی، ۱۴۱۵، ق، ۴۴۲)

آن چه مسلم است این که اجماع بر عدم تحریم ربا بین پدر و فرزند و زن و شوهر محقق شده و اجماع فقها بر این مسأله با وجود این که ایشان در بسیاری از مسائل اختلاف نظر دارند بیان گر این است که اجماع مستند به رأی معصوم (ع) بوده است. با این حال و با وجود این که اجماع به صورت متواتر نقل شده است لکن از آن جا که اجماع مستند به دلیل لفظی و روایاتی است که در این مورد وارد شده بنابراین باید به خود مدرک و سند اجماع رجوع کرد.

۲- روایات: اخباری که مشهور فقها به آن استناد کرده اند چهار روایت است که متن آن ها عیناً نقل شد. این روایات از حیث سند و دلالت مورد خدشه قرار گرفته است لکن طرف داران عدم ربا، روایات را صحیح و صریح دانسته و معتقدند صحت روایات در نزد متقدمین ظاهر و در نزد متأخرین هم ضعف آن منجر به عمل اصحاب است. ضمن این که روایات منحصر به دو روایت مورد ادعای محققان اردبیلی و سبزواری نیست بلکه این حکم مضمون اخبار متعددی است که در بین آن ها روایت صحیح هم وجود دارد. (بحرانی، ۱۴۰۵، ق، ۲۵۹)

<sup>۱</sup> "لما تأملت ذلك رجعت عن هذا المذهب لأني وجدت أصحابنا مجمعين على نفي الربا بين من ذكروا و غير مختلفين فيه في وقت من الأوقات، و إجماع هذه الطائفة قد ثبت أنه حجة، و يخص بمثله ظواهر الكتاب."

در مورد دلالت این اخبار نیز در ترکیب‌هایی نظیر "لاربا بین الوالد و ولده"، "لاضرر و لاضرار" که مفاد آن رفع موضوع خارجی به واسطه لای نفی جنس است، سه برداشت متصور است. البته این برداشت‌ها بعد از فرض عدم رفع تکوینی ربا است:

۱- این که نفی به معنای نهی باشد، در موصلیات سید مرتضی چنین معنایی از این ترکیب استنباط شده است؛ فقهای اهل سنت نیز با چنین برداشتی از روایت "لاربا بین المسلمین و أهل الحرب فی دارالحرب" معتقدند که مراد، نهی از ربا است. (ابن قدامه، بی تا، ۱۶۳)

این معنا خلاف ظاهر روایات است چون نفی جواز در امثال این ترکیب در صورتی است که نفی، بدون سابقه تشریح حکم در موضوع بعد از لای نفی آمده باشد - آن گونه که مثلاً در لاضرر است -، اما اگر مسبوق به یکی از احکام خمسسه بوده و پس از تشریح حکم کلی در موضوع، چنین ترکیبی در مورد بعضی از اصناف وارد شود، در این صورت متبادر از سیاق عبارت، نفی کلیت آن حکم در این موضوع است و در ما نحن فیه هم حرمت ربا قبلاً در قرآن بیان شده و جزء ضروریات دین است. حال اگر بعد از آن ترکیب "لاربا بین الرجل و ولده" وارد شود، قطعاً بارزترین آثار ثابت برای ربا، همان تحریم است فلذا نفی در این ترکیب، به همین اثر برگشته و مراد از آن جواز ربا بین افراد مذکور است. (اراک، ۱۴۱۳ ق، ۴۱)

۲- این که مراد، نفی حکم به لسان نفی موضوع باشد ادعائاً؛ یعنی همان معنایی که برخی از حدیث "لاضرر" کرده‌اند که نفی ضرر (موضوع) کنایه از نفی احکام ضرری است (خراسانی، ۱۴۲۷ ق، ۱۶۰) اما این معنا هم خلاف ظاهر روایات است، چون ظاهر روایت این است که آن چه رفع شده خود موضوع است نه حکم چون در این صورت باید قائل به تقدیر یا مجاز گویی شویم در حالی که اصل، عدم تقدیر است و مجاز هم نیاز به قرینه دارد که چنین قرینه‌ای در دست نیست.

۳- این که مراد، نفی موضوع است حقیقتاً؛ یعنی این که در روایات، آن چه رفع شده خود موضوع خارجی است لکن این رفع، رفع تشریحی است و نه تکوینی، هر چند نتیجه رفع تشریحی، رفع حکم خواهد بود. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ۱۷۳)

طبق این برداشت در بحث ما آن چه با عبارت "لاربا بین الوالد و ولده" و "لاربا بین الرجل و أهله" نفی شده، خود ربا است لکن به صورت نفی تشریحی و نه تکوینی و معنای نفی تشریحی این است که در نظر شارع دادن و گرفتن زیادی بین اشخاص مذکور کالعدم است و هیچ اثر شرعی بر این داد و ستد بار نمی‌شود. با این بیان ادله دال بر عدم تحریم ربا بین افراد مذکور، عموم ادله تحریم ربا را تخصیص می‌زند به گونه‌ای که کاشف اراده جدی شارع مقدس قرار گرفته و نشان می‌دهد که مقصود شارع از ابتدا، تحریم ربا در بین مکلفین، غیر از افراد مذکور بوده است.

### بند دوم: دامنه افراد مشمول حکم

از آن جا که دلیل اصلی حکم عدم ربا بین افراد مذکور روایات وارده است، تعیین دامنه افراد مشمول حکم هم با توجه به متن روایت امکان پذیر است و در این راستا افراد محتمل الوجود در دو حیطة "ولادت" و "زوجیت" قابل بررسی است:

**الف) دامنه شمول حکم در حیطة ولادت:** در قلمرو ولادت مواردی که باید مورد بررسی قرار گیرند عبارتند از ربا بین پدر و فرزند، جد و نوه و مادر و فرزند.

۱- الف) ربا بین پدر و فرزند: در این زمینه آن چه مسلم است این که در روایت عمرو بن جمیع آمده: "لیس بین الرجل و ولده ربا" و در روایت زراره هم همین الفاظ وارد شده و در روایت کتاب فقه الرضا هم آمده که: "لیس بین الوالد و ولده ربا". بنابراین تمام آن چه در این زمینه در دست داریم همین سه روایت است که در آن‌ها سه واژه "رجل"، "والد" و "ولد" ذکر شده است و قدر مسلم این است که بین پدر و پسر ربا حرام نیست.

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا ربا بین پدر و دختر هم حکم ربا بین پدر و پسر را دارد؟ در پاسخ این سؤال بین فقها دو نظر وجود دارد:

۱- صاحب جواهر، آقا ضیاء عراقی (عراقی، ۱۴۱۴ ق، ۲۶۱)، خوانساری (خوانساری، ۱۴۰۵ ق، ۲۵۷) و سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (یزدی، ۱۴۲۹ ق، ۷۲) اقتضار حکم عدم ربا بر پدر و پسر را احوط دانسته اند. استدلال صاحب جواهر این است که از واژه "ولد" آن چه عرفاً به ذهن متبادر می شود پسر است<sup>۲</sup> (نجفی، ۱۴۱۷ ق، ۳۸۰)

۲- نظر مشهور فقها بر این است که در این حکم بین پسر و دختر تفاوتی وجود ندارد چون واژه "ولد" در مورد پسر و دختر صدق می کند<sup>۳</sup> (حلی، ۱۴۲۰ ق، ۲۰۹)

نظر مشهور اقرب به صواب است چون واژه "ولد" لغتاً و عرفاً اعم از پسر و دختر است و شارع هم این الفاظ را در همان معنای عرفی استعمال نموده است بویژه هنگامی که "والد" در سیاق "ولد" استعمال شود - مثل عبارت "والد و ما ولد" -، اعم از پسر و دختر است به همین جهت در مباحثی نظیر قتل فرزند توسط پدر، فقها به استناد روایاتی نظیر "لایقاد والد بولده" حکم به عدم قصاص پدر به خاطر کشتن دختر داده اند.

۲- الف) ربا بین جد و نوه: این مسأله که آیا حکم عدم ربا منحصر به پدر و فرزند است یا این که شامل جد و نوه هم می شود به شدت مورد اختلاف است و بسیاری از فقها در مورد حکم این مسأله تردید کرده و هر دو احتمال را مطرح کرده اند. با این حال در مورد حکم ربا بین جد و نوه سه نظر فقهی در بین فقها وجود دارد:

دیدگاه اول: تحریم ربا بین جد و نوه؛ بسیاری از فقها از جمله علامه حلی (حلی، ۱۴۲۰ ق، ۲۰۹)، محقق کرکی (کرکی، ۱۴۱۴ ق، ۲۸۰)، شهیدثانی (جبعی عاملی، ۱۴۲۷، ۲۹۶)، فاضل مقداد (سیوری حلی، ۱۴۰۴ ق، ۹۵)، محقق اردبیلی (اردبیلی، ۱۴۲۱ ق، ۴۸۹)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۱۷ ق، ۳۸۰)، میرزای قمی (میرزای قمی، ۱۴۱۳ ق، ۶۳)، آقا ضیاء عراقی (عراقی، ۱۴۱۴ ق، ۲۶۱) و بعضی دیگر معتقدند حکم عدم تحریم ربا به جد و نوه تسری ندارد و عدم تحریم باید به قدر متیقن استثناء یعنی رابطه پدر و فرزند محدود شود.

دیدگاه دوم: شمول حکم عدم تحریم ربا بین جد و نوه؛ بعضی از فقها از جمله شهید اول (مکی، ۱۴۱۷ ق، ۲۹۹)، آل عصفور (بحرانی، بی تا، ۳۵۷) و سید محسن حکیم (حکیم، ۱۴۱۰ ق، ۷۵) معتقدند که حکم عدم تحریم ربا شامل جد هم می شود. بسیاری از فقها هم هر دو احتمال را ذکر کرده اند. شهید ثانی در مسالک پس از تصریح به این که حکم عدم ربا به نوه و فرزند رضاعی تسری ندارد این حکم را دارای اشکال دانسته و وجه عدم ربا را اطلاق اسم فرزند بر آنها می داند. (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ ق، ۳۲۷)

در عروة الوثقی هم شمول حکم عدم ربا بین جد و نوه اقوی ولی عدم شمول حکم عدم ربا بین جد و نوه احوط دانسته شده است<sup>۴</sup> (یزدی، ۱۴۲۹ ق، ۷۲) به هر حال دلیل اصلی این گروه آن است که واژه "والد" و "ولد" که در روایات مورد بحث ذکر شده بر جد پدری و نوه نیز اطلاق می شود. بنابراین به موجب همان ادله ای که ربا بین پدر و فرزند صلبی را نفی می کند، ربا بین جد پدری و نوه هم منتفی خواهد شد.

دیدگاه سوم: تفصیل بین نوه پسر و دختری؛ صاحب القواعد الفقهیه پس از آن که نظر خود مبنی بر عدم تفاوت حکم در مورد پدر و جد پدری را بیان می کند اضافه نموده ممکن است گفته شود واژه ولد منصرف از فرزند دختر است هر چند لفظ بر حسب وضع اعم از فرزند پسر و دختر است ولی ادعای انصراف هم بعید نیست. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ۱۷۵) به نظر ایشان لفظ "والد" وضع شده برای پدر و جد اعم از این که جد پدری باشد یا مادری لکن واژه "ولد" در این موارد منصرف از فرزند دختر است. بنابراین طبق این تفصیل ربا بین جد پدری و نوه محقق نمی شود لکن بین جد مادری و نوه ربا حرام است.

به نظر نگارنده ادله عدم تحریم ربا شامل جد نمی شود چه این که در هیچ یک از نصوص وارده تصریح یا اشاره ای به جد نشده است و از واژه های "والد" و "ولد" هم نمی توان شمول حکم بر جد و نوه را استنباط نمود چه این که این واژه ها فقط برای پدر و فرزند بلاواسطه وضع شده اند و استعمال این واژه ها برای جد و نوه استعمال مجازی است و نیاز به قرینه دارد و چنین قرینه ای هم در دست نیست بنابراین إصالة الحقیقة اقتضاء می کند که واژه "والد" را بر پدر صلبی حمل

<sup>۲</sup> " و الاحوط الاقتصار علی الذکر، لانه المنساق عرفاً "

<sup>۳</sup> " و لافرق بین الولد الذکر و الانثی، لشمول اسم الولد لهما. "

نماییم . علاوه بر این قرائنی در بعضی از این روایات وجود دارد که احتمال اراده معنای جد را به کلی نفی می کند . از جمله در دو صحیححه زراره و محمد بن مسلم از امام باقر ( ع ) آمده که فرمود : " لیس بین الرجل و ولده و بینه و بین عبده و لایینه و بین أهله ربا " ( عاملی ، ۱۳۶۷ ، ۴۲۷ ) . در این روایت ربا بین مرد با فرزند ، برده و زوجه اش نفی شده که ذکر واژه " أهله " ( زوجهٔ مرد ) قرینه ای است براین که مراد از واژه " رجل " هم پدر بلاواسطه است چون قطعاً به زن پسر " اهل " پدر شوهر گفته نمی شود . بنابراین واژه های رجل و والد در این روایات بر جد ( اعم از جد پدری یا مادری ) اطلاق نمی شود و هیچ دلیل دیگری هم برای تسری حکم عدم ربا بین جد و نوه وجود ندارد و عمومات ادله تحریم ربا بین هر کس ، تحریم ربا بین جد و نوه را هم اقتضا دارد .

اما در مورد تفصیل بین فرزند پسر و دختر ( نظر سوم ) هم اولاً این تفصیل نظر تازه ای نیست چون حتی فقهای که قائل به تسری حکم به جد هستند منظورشان جد پدری است و نه جد مادری بنابراین محل نزاع جد پدری است و با توجه به آن چه گفته شد ادله نافی ربا شامل جد پدری نیست و عدم شمول آن بر جد مادری هم به اولویت فهمیده می شود .

**۳- الف) ربا بین مادر و فرزند :** در مورد حکم ربا بین مادر و فرزند اختلاف نظر کمتری بین فقها وجود دارد . با این حال می توان دو دیدگاه را در این زمینه مطرح نمود :

دیدگاه اول : شمول ادله تحریم ربا بین مادر و فرزند ؛ مشهور فقها بر این باورند که ادله عدم ربا شامل مادر و فرزند نمی شود و بنابراین بین مادر و فرزند ربا حرام است . شهید ثانی ( جبعی عاملی ، ۱۴۱۳ ، ق ، ۳۲۷ ) ، صاحب جواهر ( بجنوردی ، ۱۴۱۹ ، ق ، ۱۷۶ ) ، محقق بحرانی ( بحرانی ، ۱۴۰۵ ، ق ، ۲۶۱ ) ، فاضل مقداد ( سیوری حلی ، ۱۴۰۴ ، ق ، ۹۵ ) ، خوانساری ( خوانساری ، ۱۴۰۵ ، ق ، ۲۵۸ ) ، بجنوردی ( بجنوردی ، ۱۴۱۹ ، ق ، ۱۷۶ ) ، حکیم ( حکیم ، ۱۴۱۰ ، ق ، ۷۵ ) و بسیاری دیگر از فقها چنین دیدگاهی دارند .

دلیل اصلی این گروه آن است که در روایاتی که در این زمینه وارد شده به مادر و فرزند اشاره ای نشده است و هیچ دلیل دیگری هم در مورد ربای مادر و فرزند وجود ندارد بنابراین ربا بین این دو مشمول عمومات ادله تحریم ربا خواهد بود . ( بجنوردی ، ۱۴۱۹ ، ق ، ۱۷۶ )

دیدگاه دوم : شمول ادله عدم تحریم ربا بین مادر و فرزند ؛ مرحوم محمد جواد مغنیه در کتاب فقه الامام الصادق ( ع ) ، نظر مشهور فقها مبنی بر عدم تسری حکم عدم ربا به مادر را جمود بر الفاظ دانسته و معتقد است علت عدم تحریم ربا ، ابوت است و این علت بین فرزند و مادر قوی تر است از ابوت بین فرزند و پدر و بدیهی است هنگامی که علم به علت تامه حکم داشته باشیم همانند آن است که علت منصوصه باشد و بلکه قوی تر از علت منصوص است بنابراین حکم عدم ربا در مورد مادر هم جاری می شود . ( مغنیه ، ۱۴۲۱ ، ق ، ۲۸۳ )

انصاف این است که عمومات ادله تحریم ربا اقتضا می کند که ربا بین عموم افراد ممنوع باشد مگر این که به دلیل خاصی بعضی افراد از عموم ادله استثناء شده باشند . حال اگر بخواهیم به ظاهر روایات مخصص عموم ادله تحریم عمل کنیم در این روایات به نفی ربا بین " والد " اشاره شده که به معنای " پدر " است و در مورد ربا بین مادر و فرزند نفیاً یا اثباتاً تصریحی وجود ندارد و علی القاعده باید ربا بین مادر و فرزند را مشمول ادله تحریم بدانیم . لکن این استدلال از این جهت قابل خدشه است که در روایات مورد بحث فقط واژه " ولد " به کار رفته که به معنای " پسر " است و در هیچ کدام از این نصوص تصریحی در مورد ربا بین پدر و دختر وجود ندارد با این حال فقهای امامیه اجماع دارند که بین پدر و دختر ربا وجود ندارد . البته ممکن است ادعا شود که عدم ربا بین پدر و دختر از ادله دیگر نظیر روایات دال بر " أنت و مالک لأبیک " استنباط شده است لکن چنین ادعایی صحیح نیست چون در این صورت فقط اخذ پدر از دختر جایز بود در حالی که طبق اجماع فقها اخذ زیادی از سوی پدر و دختر هر دو جایز است . پس نمی توان با دو واژه " والد " و " ولد " دو گونه برخورد نمود . اما اگر به " علت " عدم تحریم ربا بین افرادی نظیر پدر و فرزند و زوج و زوجه توجه نماییم ، می توانیم بگوییم مثلاً ابوت و زوجیت وضعیتی را به وجود می آورد که در آن وضعیت ارتباط و اتحاد مالی بسیار قوی بین این اشخاص ایجاد می شود به گونه ای که اخذ زیادی توسط یکی از آن ها از دیگری به منزله جا به جایی اموال در یک دارایی است و این علت در مورد مادر و فرزند نیز وجود دارد .

بنابراین حتی اگر نپذیریم که واژه "والد" در این سیاق همانند "ولد" اعم از مذکر و مؤنث است، باز هم عدم تصریح به مادر به منزله نفی حکم عدم ربا در مورد وی نیست و چه بسا که محل سؤال راوی پدر بوده یا به خاطر این که غالباً پدر و پسر در امور تجاری فعالیت دارند حکم به آنها تعلق گرفته و حتی ممکن است به خاطر مسلم بودن تساوی پدر و مادر در چنین احکامی فقط به واژه "والد" تصریح شده و شمول آن بر "والده" نزد متکلم و مخاطب مفروض بوده است. به هر حال تسری حکم عدم ربا بین زوج و مطلقه رجعیه و حتی زوجه موقت به خاطر ذکر واژه "زوجه" در روایات و عدم تسری آن در مورد مادر و فرزند به خاطر عدم تصریح به واژه "والده" در واقع جمود بر الفاظ و بی توجهی به فلسفه تشریح این حکم و تخصیص افراد مذکور از عموم ادله تحریم ربا و حکم به اعمال کیفر به خاطر انعقاد معامله ربوی بین مادر و فرزند با قاعده درء نیز سازگاری ندارد.

**ب) دامنه شمول حکم در حیثه زوجیت؛** در قلمرو زوجیت، شمول حکم عدم ربا در مورد نکاح دائم، نکاح موقت و مطلقه رجعیه مورد بررسی قرار می گیرد:

۱- ب) ربا بین زوج و زوجه دائمه: عدم تحریم ربا بین زوج و زوجه مورد اجماع فقها است (موسوی، ۱۴۱۵ ق، ۴۴۲) و در روایات هم به آن تصریح شده است.<sup>۴</sup>

در این روایات واژه های "زوج"، "مرأه" و "أهل" ذکر شده که قدر مسلم آن، زوجه دائمه است لکن آیا از این روایات، عدم ربا در نکاح موقت و طلاق رجعی هم استنباط می شود؟

۲- ب) ربا در نکاح موقت: در این که آیا در نکاح موقت ربا بین زوجین حرام است یا نه سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول: تحریم ربا در نکاح موقت؛ علامه حلی (حلی، ۱۴۲۰ ق، ۲۰۷)، محقق اردبیلی (اردبیلی، ۱۴۲۱ ق، ۴۸۹)، سیدعلی طباطبایی (طباطبایی، بی تا، ۳۰۷) و بعضی دیگر از فقها چنین عقیده ای دارند. صاحب التفتیح الرائع هم ثبوت ربا در نکاح موقت را محتمل دانسته است. فقیه اخیرالذکر سه دلیل را در تقویت این احتمال ذکر می کند:

۱- فقدان اتحاد مالی قوی بین زوج و زوجه منقطع، به خاطر این که در نکاح منقطع دو نفر از یکدیگر ارث نمی برند و انفاق بر زوجه هم بر زوج واجب نیست.

۲- انصراف اطلاق واژه "زوجه" بر زوجه دائم.

۳- عمومیت آیه تحریم ربا. (سیوری حلی، ۱۴۰۴ ق، ۹۵)

علامه حلی هم در تذکره الفقها دلیل ثبوت ربا بین زوج و زوجه در عقد منقطع را این گونه ذکر کرده که اختیار تصرف در اموال فقط در نکاح دائم ثابت است کما این که زوجه تنها در عقد دائم می تواند از اموال زوج بردارد. (حلی، ۱۴۲۰ ق، ۲۰۹) صاحب ریاض هم معتقد است که بر زوجه منقطعاً حقیقتاً "زوجه" اطلاق نمی شود چون متبادر از زوجه، زوجه دائم است بنابراین باید به قدر متیقن آن اکتفاء نمود. (طباطبایی، بی تا، ۳۰۷)

دیدگاه دوم: عدم تحریم ربا در نکاح موقت؛ مشهور (نجفی، ۱۳۷۴، ۳۸۱) فقهای امامیه معتقدند که در نکاح موقت نیز همانند نکاح دائم بین زوج و زوجه ربا حرام نیست. شهید اول (مکی، ۱۴۱۷ ق، ۲۹۹)، شهیدثانی (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ ق، ۳۲۷)، محقق کرکی (کرکی، ۱۴۱۴ ق، ۲۸۰) محقق بحرانی (بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ۲۶۱)، میرزای قمی (میرزای قمی، ۱۴۱۳ ق، ۶۳)، سیستانی (سیستانی، بی تا، ۷۶) و بسیاری دیگر چنین عقیده ای دارند.

مستند اصلی نظر مشهور، عموم و اطلاق نصوص دال بر عدم ربا بین زوج و "زوجه" است که به واسطه اطلاق نص، اطلاق ظاهر آیه تحریم تخصیص زده می شود و این استدلال فرع بر این است که بر زوجه منقطع، حقیقتاً زوجه اطلاق گردد. محقق کرکی پس از ذکر استدلال اخیر علامه حلی مبنی بر انحصار اختیار تصرف در اموال به نکاح دائم و در رد آن می نویسد چنین استدلالی نمی تواند اطلاق نص دال بر نفی ربا بین زوج و زوجه رامقید نماید. (کرکی، ۱۴۱۴ ق، ۲۸۰) شهید ثانی هم توجیه علامه را قابل معارضه با نص عدم ربا بین زوج و زوجه نمی داند. (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ ق، ۳۲۸)

<sup>۴</sup> در روایت زراره و محمد بن مسلم آمده بود: "لیس بین الرجل و ولده و بینة و بین أهله ربا." در روایتی که شیخ صدوق به صورت مرسل نقل کرده نیز آمده است: "لیس بین المرأة و زوجها ربا." در روایت فقه الرضا (ع) هم آمده که: "لیس بین الوالد و ولده ربا و لابین الزوج و المرأة ربا."

صاحب القواعد الفقهیه پا را از این فراتر نهاده و معتقد است نه تنها زوجه منقطعه حقیقتاً زوجه است بلکه زوجه دائم و موقت حقیقت واحدی هستند به عبارت دیگر " زوجه " جنس نیست که " دائمه " و " موقته " نوع باشند بلکه " منقطعه " و " دائمه " دو صنف از یک نوع هستند به همین علت هم اگر هنگام انشاء عقد مدت ذکر نشود ، عقد به صورت دائم واقع می شود . ( بجنوردی ، ۱۴۱۹ ق ، ۱۸۰ )

دیدگاه سوم : تفصیل بین اقسام نکاح منقطع ؛ بعضی از فقها بین حالتی که مردی با نکاح موقت زنی را به عنوان اهل و عیال خود انتخاب می کند و حالتی که فقط برای استمتاع جنسی زوجه منقطعه را انتخاب می کند تفکیک قائل شده و در حالت اول قائل به عدم تحریم ربا و در حالت دوم قائل به تحریم ربا بین زوج و زوجه شده اند . صاحب جواهر ، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی ( یزدی ، ۱۴۲۹ ق ، ۷۳ ) ، بجنوردی ( بجنوردی ، ۱۴۱۹ ق ، ۱۸۰ ) ، آقا ضیاء عراقی ( عراقی ، ۱۴۱۴ ق ، ۲۶۱ ) و بعضی دیگر چنین عقیده ای دارند .

به نظر می رسد مبنای این تفصیل روایت زراره است که در آن واژه " اهل " ذکر شده و ربا بین مرد و اهل نفی شده است و قائلین به تفصیل بر همین مبنا معتقدند اگر زوجه منقطعه به عنوان " اهل " و خانواده گرفته شده باشد بین او و شوهرش ربا محقق نیست لکن اگر فقط برای استمتاع و نه به عنوان اهل عقد شده باشد بین او و مرد ربا محقق می شود . در مقام ارزیابی و نتیجه گیری از استدلالات سه گروه از فقها به نکات زیر اشاره می شود :

۱- تحقق نکاح و زوجیت به دو صورت دائم و منقطع نظر اجماعی فقهای امامیه است . بنابراین واژه " زوجه " که در لسان روایات وارد شده بر زوجه دائم و منقطع اطلاق می شود .

۲- ادعای انصراف " زوجه " به زوجه دائمه فرع بر این است که عرف ، زوجه منقطعه را " زوجه " یا " اهل " محسوب نکند .

۳- در بعضی از روایاتی که مستند حکم عدم ربا بین زن و شوهر قرار می گیرد واژه " اهل " و در بعضی دیگر واژه " المرأة " و در بعضی دیگر واژه " زوجه " ذکر شده است بنابراین " زوجیت " و " اهلیت " هر کدام تمام سبب از برای حکم عدم ربا نیستند بلکه به نظر می رسد هر کدام از آن دو جزء سبب و در کنار یکدیگر تمام سبب برای حکم هستند چون از حیث مصداق رابطه بین " اهل " و " زوجه " عموم و خصوص من وجه است. بدین معنا که اولاً واژه " اهل " علاوه بر زوجه شامل غیر زوجه هم می شود کما این که در حدیث متواتر ثقلین ، پیامبر اکرم (ص)، حضرت فاطمه (س) و حضرت علی(ع) و حسن(ع) را " اهل بیت " خود نامیدند و از سوی دیگر واژه " زوجه " هم علاوه بر اهل شامل غیر آن هم می شود کما این که اگر کسی زنی را برای یک ساعت عقد نماید در آن مدت آن زن " زوجه " شرعی و قانونی وی محسوب می شود لکن عرفاً اهل شمرده نمی شود بنابراین مقتضای جمع بین روایاتی که در آن واژه " زوجه " ذکر شده و روایتی که در آن واژه " اهل " ذکر شده این است که این دو مفهوم باید در یک مصداق خارجی با هم جمع شوند تا این که مشمول حکم عدم ربا قرار گیرند بنابراین شمول یا عدم شمول حکم بر زوجه موقت فرع بر این است که عرف زوجه منقطعه را " اهل " محسوب کند یا خیر .

۴- قضاوت عرف در مورد اقسام مختلف نکاح منقطع یکسان نیست ؛ در مواردی که زنی برای مدت کوتاه و فقط جهت استمتاع جنسی عقد می شود و مرد قصد ندارد زن مورد نظر به عنوان اهل وی محسوب گردد، در چنین مواردی عرف آن زن را " اهل " به حساب نمی آورد لکن در مواردی که کسی زنی را برای مدت نسبتاً طولانی به عقد موقت در می آورد یا این که مرد قصد داشته باشد این زن را به عنوان " اهل " و خانواده خود اختیار کند مثل این که قصد فرزنددار شدن از آن زن را داشته باشد در چنین مواردی عرف این زن را به عنوان " اهل " مرد به حساب می آورد . بنابراین در دو مورد عرف زوجه منقطعه را " اهل " به حساب می آورد ؛ ۱- در جایی که مدت نکاح نسبتاً طولانی باشد ؛ ۲- در مواردی که زن و مرد قصد

° . ممکن است کسی ادعا کند که واژه " اهل " در روایت زراره به معنای " زوجه " است بنابراین از لحاظ مفهومی مساوی هستند کما این که ابن ادریس گفته است: " المراد بأهله هاهنا إمرأته ، دون قراباته من أهله " ( حلی ، ۱۴۱۱ ق ، ۲۵۲ ) و استدلال کرده که در قرآن و در قصه حضرت موسی ( ع ) به همسر ایشان یعنی دختر شعیب " اهل " گفته شده است . صرف نظر از اشکالی که در استدلال هست ، باید توجه داشت این که ما مراد از " اهل " در روایت زراره را منصرف به زوجه می دانیم به خاطر وجود روایاتی است که حکم را بر زوجه بار کرده و به قرینه این روایات از ظهور واژه " اهل " دست می کشیم و اگر این روایات نبود و فقط روایت زراره را داشتیم در این صورت باید به اطلاق " اهل " استناد کرده و ظهور آن را اخذ می کردیم .



تعلق به یکدیگر و اهل یکدیگر محسوب شدن را دارند به گونه ای که حق تصرفات جزئی در مال یکدیگر را داشته باشند . در واقع صورت دوم مکمل صورت اول است چه این که در صورت اول \_ و به طریق اولی در نکاح دائم \_ عرف زن را اهل مرد محسوب می کند و با این بیان پاسخ اشکال مرحوم خوانساری هم روشن می گردد . آن جا که در ردّ قول به تفصیل بین اتخاذ به عنوان اهل و عدم اتخاذ به عنوان اهل می نویسد : لازمه این حرف آن است که اگر زوجه دائمه باشد ولی شوهرش او را به عنوان اهل انتخاب نکرده باشد ربا بین آن دو محقق گردد. (خوانساری ، ۱۴۰۵ ق ، ۲۵۷ ) بنابراین در مواردی که عرف ، زوجه منقطع را " اهل " مرد محسوب می کند نمی توان گفت واژه " زوجه " منصرف از زوجه موقت است لکن در مواردی که زوجه منقطع عرفاً " اهل " محسوب نمی شود ، واژه " زوجه " از آن انصراف دارد و ربا در حالت اخیر بین زن و مرد محقق می شود .

۳- ب ) ربا در طلاق رجعی : از موارد دیگری که در قلمرو زوجیت باید مورد بررسی قرار گیرد حکم ربا در طلاق رجعی است. در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد :

دیدگاه اول : تحریم ربا در طلاق رجعی ؛ بعضی از فقها از جمله صاحب جواهر ( نجفی ، ۱۳۷۴ ، ۳۸۲ ) ، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی ( یزدی ، ۱۴۲۹ ق ، ۷۳ ) ، آقا ضیاء عراقی ( عراقی ، ۱۴۱۴ ق ، ۲۶۲ ) ، بجنوردی ( بجنوردی ، ۱۴۱۹ ق ، ۱۸۱ ) و بعضی دیگر معتقدند ادله عدم ربا شامل مطلقه رجعیه نمی شود و بنابراین در طلاق رجعی بین زن و مرد ربا حرام است . دلیل اصلی این گروه از فقها این است که مطلقه رجعیه " اهل " به حساب نمی آید . آقا ضیاء عراقی پس از آن که روایت زراره \_ که در آن واژه " اهل " ذکر شده \_ را صحیحه می شناسد اضافه می کند که ظاهر صحیحه این است که عنوان " اهلیت " در حکم مداخلیت دارد بنابراین شامل مطلقه رجعیه نمی شود. (عراقی، ۱۴۱۴ ق، ۲۶۲)

صاحب جواهر هم با این که مطلقه رجعیه را زوجه مرد می داند ، لکن صدق عنوان اهل بر وی را نمی پذیرد. (نجفی، ۱۳۷۴ ، ۳۸۲ ) اما صاحب القواعد الفقهیه معتقد است اشکال اصلی در الحاق مطلقه رجعیه به زوجه این است که چنین الحاقی منوط به این است که تنزیل مطلقه رجعیه نازل منزله زوجه ، تنزیل عام و به لحاظ همه آثار زوجیت باشد و اثبات چنین امری مشکل است. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ۱۸۱) ظاهراً نظر ایشان این است که حتی اهل محسوب شدن مطلقه رجعیه هم جهت الحاق وی به زوجه کفایت نمی کند بلکه علاوه بر آن باید اثبات شود که شارع مقدس در تمام آثار زوجیت ، مطلقه رجعیه را در جایگاه زوجه قرار داده است .

اما به نظر می رسد اثبات چنین امری اساساً لازم نیست که دستیابی به آن دشوار باشد بلکه اگر واقعاً اثبات شود که مطلقه رجعیه اهل محسوب می شود همین اندازه جهت شمول آن تحت ادله عدم ربا کفایت می کند .

دیدگاه دوم : عدم تحریم ربا در طلاق رجعی ؛ اطلاق فتاوی فقها مبنی بر عدم ربا بین زوج و زوجه بیان گر این است که در طلاق رجعی بین طرفین ربا حرام نیست چه این که فقهای امامیه را عقیده بر آن است که : " مطلقه رجعیه در حکم زوجه است." ( حلی ، ۱۴۲۱ ق ، ۸۳۴ ؛ جبعی عاملی ، ۱۴۲۷ ق ، ۲۱۸ ؛ خمینی ، بی تا ، ۳۱۰ ) و به همین جهت است که در زمان عده نفقه او بر شوهرش واجب است ، از یکدیگر ارث می برند و بسیاری از احکام دیگر بین آن ها همانند زوجه عادی است و از این روی صاحب جامع المسائل معتقد است: " لحوق مطلقه رجعیه خالی از وجه نیست اگر چه احوط عدم است." ( بهجت ، بی تا ، ۵۲۹ )

شمول حکم عدم ربا در مورد مطلقه رجعیه بستگی دارد به این که آیا مطلقه رجعیه " اهل " محسوب شود یا خیر. ( به عبارت صاحب جواهر و سید محمد کاظم یزدی توجه شود ) البته با توجه به توارث در طلاق رجعی و وجوب نفقه و ... به نظر می رسد اتحاد مالی و اجازه تصرف در مال طرفین که علت عدم ربا بین زوجین است در مطلقه رجعیه به قوی تر از زوجه منقطع است و عرف در مطلقه رجعیه آسان تر از زوجه منقطع حکم به اهلیت می دهد.

اما مطلبی که از اهمیت بالایی در این زمینه برخوردار است و در طرح دیدگاه های فقهی مورد توجه قرار نگرفته ، بررسی زمان تحقق ربا است . بدین معنا که آیا زمان تحقق ربا \_ که از لحاظ شرعی گناه و معصیت کبیره و از لحاظ حقوقی جرم محسوب می شود \_ زمان انعقاد معامله ربوی است یا زمانی که سود پرداخت می شود ؟ توجه به این نکته نه تنها در قضاوت در مورد ربای طلاق رجعی و نکاح منقطع تأثیرگذار است بلکه حتی در اظهار نظر در مورد ربای بین زن و شوهر در نکاح

دائم نیز مؤثر خواهد بود. بدین معنا که ممکن است معامله ربوی قبل از عقد نکاح واقع شود و پرداخت زیادتی پس از عقد نکاح صورت گیرد. در نکاح منقطع نیز چنین صورتی امکان دارد و حتی ممکن است ابتدا معامله ربوی صورت گیرد، سپس نکاح موقت واقع شود. حتی به صورتی که اهل بودن در مورد زوجه صدق کند مثل این که برای مدت یک یا دو سال عقد واقع شود- و پس از انقضای مدت سود پرداخت گردد. در طلاق رجعی هم ممکن است معامله در زمان زوجیت و پرداخت سود در زمان عده رجعی یا پس از انقضاء عده و جدایی زوجین صورت پذیرد. آیا در همه این حالت ها می توان به یک صورت قضاوت نمود؟

پاسخ به این سؤال مستلزم این امر است که بدانیم طبق عقیده فقهای امامیه ربا بر دو نوع است: ربای معاملی و ربای قرضی. در ربای معاملی که زیادی حکمی است اجل و مهلت مقوم ربا است و در ربای معاملی که زیادی عینی است و هم چنین در ربای قرضی هر چند نمی توان گفت وجود مدت مقوم ربا است لکن غالباً وجود مهلت است که معامله ربوی یا قرض ربوی را معنادار می کند. بنابراین در اکثر موارد بین انعقاد عقد (بیع، قرض، صلح و ...) و پرداخت زیادی فاصله زمانی وجود دارد. اما آن چه اهمیت دارد این است که دریافت اضافی ضمن عقد شرط می شود و بنابراین زمان تحقق ربا همان زمان وقوع و انشاء اصل عقدی است که ربا در آن شرط شده است. با این توضیح چنان چه معامله ای به شرط اضافی بین زن و مردی واقع شود در همان زمان که اصل عقد منعقد می شود شرط آن یعنی ربا هم محقق شده است حتی اگر این زن و مرد بعداً با یکدیگر ازدواج کرده و زیادی در زمان زوجیت پرداخت شود؛ و چنان چه زن و شوهری در زمان نکاح معامله ای نظیر عقد قرض به شرط زیادتی منعقد نمایند بین آن ها ربا محقق نمی شود چون زمان انعقاد عقد، شرط ضمن آن جایز است و حتی اگر بعد از آن بین آن ها جدایی واقع شود نمی توان آن را از شمول ادله عدم ربا خارج نمود. در طلاق رجعی هم چنان چه عقد ربوی در زمان قبل از طلاق واقع شده باشد اعم از این که زیادتی در زمان عده و یا پس از انقضای عده و جدایی کامل پرداخت شود در هر حال ربا محقق نمی شود اما اگر عقد ربوی در زمان عده طلاق رجعی واقع شود، چنان چه در زمان عده رجوع صورت گیرد به معنای آن است که نکاح دوام داشته و بنابراین ربا محقق نمی شود. اما اگر در مدت عده رجوع صورت نگیرد بدان معنا است که از زمان طلاق علقه زوجیت قطع شده و بنابراین هم چون دو بیگانه محسوب می شوند و ربا بین آن ها محقق می شود. به همین ترتیب در هر مورد مشکوکی در قلمرو زوجیت، باید بررسی شود عقدی که در آن زیادی شرط شده در چه زمانی منعقد شده و تحقق و عدم تحقق ربا و به تبع آن تحریم یا عدم تحریم ربا نسبت به آن زمان تعیین گردد.

### گفتار دوم: تحلیل حقوقی

تحلیل حقوقی ربا از حیث جایگاه قانونی، رویه قضایی و آراء حقوقی بررسی می شود.

### بند نخست: جایگاه قانونی

حرمت ربا از احکام فقه اسلامی است و در حقوق عرفی أخذ سود در معاملات و قرارداد های خصوصی مبتنی بر اراده طرفین و تابع اصل آزادی قرارداد هاست<sup>۶</sup>. به همین جهت در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و اصلاحی ۱۳۵۲، گرفتن یا دادن ربا جرم انگاری نشده بود. نخستین بار اصل ۴۹ قانون اساسی، دولت را موظف کرد ثروت های ناشی از ربا را گرفته و به صاحب آن رد کند و در صورت معلوم نبودن صاحب آن به بیت المال بدهد. هر چند ذیل اصل ۴۹ اعلام می دارد: " این

<sup>۶</sup> ربا در قانون مجازات فرانسه جرم انگاری نشده است و به تبع آن خویشاوندی نیز تأثیری در این پدیده اقتصادی ندارد. در بعضی از کشورها، بین ربای ساده و ربای اعتیادی تفکیک صورت گرفته و ربای حرفه ای جرم انگاری شده است که در صورت اخیر علی القاعده تفاوتی بین خویشاوند بودن یا نبودن رباخواه و ربا دهنده وجود ندارد. ماده ۶۲۳ قانون جزای لبنان مقرر می دارد: " هر کس در فاصله سه سال، دو مرتبه یا بیشتر از یک بدهکار یا چند بدهکار ربا بگیرد، مجازات جرمیه اعتیاد به ربا را خواهد داشت. تحریک کننده و واسطه ربا نیز هر گاه دو مرتبه در فاصله سه سال این عمل را تکرار کند مجازات می شود چه این عمل را میان همان ربا دهنده و رباگیرنده قبلی انجام دهد و چه میان اشخاص دیگری انجام دهد. "

حکم باید با رسیدگی و تحقق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود."، لکن این عبارت به معنای " جرم انگاری " عمل ربا نبود .

در قوانین جزایی که بعد از پیروزی انقلاب تصویب شده بودند، حتی در قانون تعزیرات ۱۳۶۲ نیز ربا جرم انگاری نشده بود . در سال ۱۳۶۷ که قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء ، اختلاس و کلاه برداری به تصویب رسید ، بعضی از نهاد های حقوقی و قضایی تمایل داشتند رباخواری را به عنوان یکی از مصادیق ماده ۲ قانون مذکور جرم تلقی و مجازات نماید . اداره حقوقی قوه قضایه در یک نظر مشورتی اعلام کرده بود : " ... با لحاظ ذیل ماده ۲ ق . ت . م . م . ا . ا . ک . با عبارت " یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است ... " ربا خواری جرم است . " ( نظریه شماره ۷/۷۲۱۳-۱۲/۱۲/۱۳۷۲ اداره حقوقی قوه قضائیه ) نهایتاً در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ دادن و گرفتن ربا صریحاً جرم انگاری شد . ماده ۵۹۵ این قانون مقرر می دارد : " هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع ، قرض ، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زائد بر مبلغ پرداختی ، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می شود مرتکبین اعم از ربا دهنده ، ربا گیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می گردند . " لکن در تبصره ۳ همین ماده حکم خاصی وجود دارد که انعقاد قراردادهای مذکور بین بعضی اشخاص را از شمول حکم ماده مستثنی نموده است : " هرگاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند مشمول مقررات این ماده نخواهد بود . "

اهمیت استثنای مذکور در تبصره از این جهت است که خروج موارد مذکور در تبصره از شمول مقررات ماده ۵۹۵ صرفاً ناظر به عدم اعمال مجازات (معاذیر قانونی معافیت از مجازات) نیست بلکه اصولاً وصف مجرمانه را زائل نموده (اسباب ایباحه) و نه تنها مجازات را از ربا گیرنده و ربا دهنده و واسطه بین آنها بر می دارد، بلکه موجب می شود که اصل معامله و اخذ سود در آن نیز صحیح بوده و جنس یا مبلغ زیادی به صاحب مال مسترد نشده و به طریق اولی در اختیار ولی فقیه قرار نگیرد.

### بند دوم : رویه قضایی

از بعد رویه قضایی ، در حال حاضر گرایش شدیدی در نزد مسئولین قضایی کشور بر برخورد جدی با پدیده رباخواری و خودداری از هر گونه تخفیف و ارفاقی در این مورد وجود دارد . بخشنامه شماره ۱۴۷۳۲ مورخ ۱۶ / ۹ / ۱۳۸۲ صادره از سوی رئیس قوه قضائیه بیان گر گرایش مذکور است. در این بخشنامه تصریح شده : " با توجه به حرمت شرعی ربا و تأثیر سود آن بر اقتصاد و داد و ستدهای مدنی و تجاری و لزوم مقابله شدید با این پدیده مخلف روابط سالم مالی و اجتماعی ، دادسراها و محاکم کشور موظفند در پرونده های موضوع ماده ۵۹۵ ق.م.ا. اهتمام کافی مبذول و اعمال دقت لازم ، در صورت احراز رباخواری با مرتکبان بزه مزبور برخورد جدی نمایند و از هر نوع ارفاق و تخفیفی که موجب تجرّی رباخوران و ایجاد زمینه شیوع ربا اعم از معاملی یا قرضی و ترویج بدهکاری های ربایی در جامعه گردد خودداری ورزند و در حوزه عمل خود ترتیبی اتخاذ نمایند تا به این نوع پرونده ها خارج از نوبت و با سرعت بیشتری رسیدگی و رأی مقتضی صادر گردد . " ( معاونت پژوهش و تنقیح قوانین ریاست جمهوری ، بی تا ، ۳۷۹ )

بخشنامه مورد اشاره و محتوای آن مبنی بر مقابله با ربا خواری- که البته بیان گر رواج روزافزون این پدیده نامیمون اقتصادی در جامعه نیز هست-، گر چه در راستای تحقق اقتصاد اسلامی و تشویق به کار و تلاش جهت دستیابی به ثروت و پرهیز از روش های اکل مال به باطل و نیز جلوگیری از استثمار طبقات نیازمند توسط برخی افراد سودجو است، لکن این واقعیت را نیز باید مدنظر قرار داد که آن چه اهمیت دارد جلوگیری از مورد استثمار واقع شدن طبقات ضعیف بواسطه فقر مالی است. به بیان دیگر در تحریم و جرم انگاری ربا خواری دو هدف مدنظر است: جلوگیری از اکل مال به باطل و تحصیل درآمد از روش هایی غیر از کسب و کار و تولید و فعالیت اقتصادی مفید؛ و نیز حمایت از طبقات ضعیف و جلوگیری از مورد استثمار واقع شدن آنان. هدف دوم زمانی قابل تحقق است که در جامعه سیستم بانکداری اسلامی حاکم بوده و از نرخ

بالای بهره وام های بانکی خبری نباشد. در غیر این صورت صرف اجتماع سرمایه داران و تأسیس بانک خصوصی و حتی انعقاد صوری عقود غیرمقصود از جانب طرفین عقد، تنها مرجع استناده را تغییر خواهد داد و نه ماهیت واقعی امر را. در مورد ربا دهنده این نکته باید در رسیدگی های قضایی مدنظر قرار گیرد که ربا دهنده غالباً زمانی حاضر به گرفتن قرض و توافق بر انعقاد معامله ربوی می شود که در شرایط اضطراری قرار گرفته و چاره ای جز این کار نداشته باشد. از این منظر گرچه از لحاظ حقوقی برابر ماده ۲۰۶ قانون مدنی: "اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود"، لکن از جنبه کیفری، اگر ثابت شود ربا دهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده قابل مجازات نخواهد بود مگر این که از قرائن بدست آید که ربا دهنده در شرایط واقعی اضطرار قرار نداشته است.

### بند سوم: نظرات حقوق دانان

به عقیده بعضی جرم نبودن ربا بین اشخاص مذکور از نظر فلسفی توجیه روشنی دارد و آن این که حرمت ربا به جهت ایجاد شدن فاصله طبقاتی و اجحاف به دیگران است و لیکن در مواردی که طرفین معامله پدر و فرزند یا زن و شوهر هستند، پول از یک جیب به جیب دیگر می رود خاصه آن که روابط عاطفی پدر و پسر قوی بوده و معمولاً پدر زودتر از پسر فوت می کند و ثروت او بین فرزندان او تقسیم می گردد. در واقع زیادتی که پسر به پدر می دهد از جیبی به جیب دیگر ریختن است، همین طور زوج و زوجه (مطهری، ۱۳۵۵، ۱۲۰)

در این مطلب بر دو عنصر روابط نزدیک اقتصادی و پیوندهای عاطفی تکیه شده است که می توان آن را به عنوان حکمت استثنای مذکور پذیرفت لکن "علت" این استثنا نخواهد بود چرا که در این صورت تسری حکم به موارد مشابه غیر از پدر و فرزند و زن و شوهر که روابط اقتصادی و عاطفی مذکور وجود داشته باشد جایز خواهد بود.

نکته دیگر این که به خاطر روابط نزدیک خانوادگی، طرفین معامله، آن را امری خصوصی و خانوادگی تلقی کرده و تمایلی به مداخله نهادهای دولتی و حتی اعلام انعقاد چنین معاملاتی ندارند و به همین جهت نیز اساساً شکایات مربوط به چنین معاملاتی به ندرت در محاکم مطرح می شود به گونه ای که نوبت استناد به تبصره ماده ۵۹۵ در این موارد نمی رسد. به بیان دیگر، جرم ربا از جمله جرایم توافقی است که در آن ها شخص ثالثی مستقیماً بزه دیده محسوب نمی شود (رهامی و حیدری، ۱۳۸۳، ۹۸) و بنابراین شاکی خصوصی در این جرایم وجود ندارد و همین امر موجب می شود که اکثر جرایم توأم با تراضی - از جمله ربا - به مراجع کیفری اعلام نشده و دعوای کیفری جریان پیدا نکند.

### نتیجه

از آن چه گفته شد نتایج زیر به دست می آید:

۱. عموماً ادله تحریم ربا در مورد بعضی از خویشاوندان نظیر پدر و فرزند و زن و شوهر به واسطه روایات خاص تخصیص زده شده و خروج این افراد از عموم ادله تحریم ربا مورد اجماع فقها است.
۲. بعضی از روایات دال بر نفی ربا بین پدر و فرزند و زن و شوهر از حیث سند صحیح و از حیث دلالت نیز مراد از ترکیب هایی نظیر "لاربا بین الرجل و ولده"، نفی حقیقی موضوع (ربا) است البته نفی تشریحی لکن نتیجه رفع تشریحی موضوع، رفع حکم است. بنابراین مضمون این روایات عدم تحریم ربا بین اشخاص مذکور است.
۳. معاملات ربوی بین جد پدری و فرزند زاده مشمول عموماً ادله تحریم ربا است.
۴. ربا بین مادر و پسر نیز همانند ربا بین پدر و دختر جایز است.
۵. در نکاح منقطع در صورتی که زوجه منقطعۀ عرفاً "أهل" محسوب شود ملحق به زوجه دائم است وگرنه معاملات زوج و زوجه موقت مشمول عموماً ادله تحریم است.
۶. از حیث زمان تحقق ربا، از آن جا که دریافت سود به عنوان شرط ضمن عقد است، بنابراین زمان تحقق ربا زمان انشاء عقد ربوی است و حدوث و بقاء زوجیت باید با زمان انشاء عقد ربوی سنجیده شود.
۷. در قوانین برخی کشورها اساساً ربا جرم انگاری نشده است و به تبع آن خویشاوندی نیز تأثیری در این پدیده اقتصادی ندارد. در بعضی از کشورها، بین ربای ساده و ربای اعتیادی تفکیک صورت گرفته و ربای حرفه ای جرم

انگاری شده است که در صورت اخیر علی القاعده تفاوتی بین خویشاوند بودن یا نبودن رباخوار و ربادهنده وجود ندارد

## منابع

- اراکي، محمد علی (۱۴۱۳ق)، **المکاسب المحرمه**، چاپ اول، قم، مؤسسه در راه حق.
- اردبیلی، المولی احمد المقدس (۱۴۲۱ق)، **مجمع الفائدة و البرهان**، ج ۸، الطبعة الثالثة، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- اسکافی، ابن جنید (۱۴۱۶ق)، **مجموعه فتاوی ابن جنید**، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- بحرانی، حسین بن محمد آل عصفور (بی تا)، **الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرایع**، ج ۱۱، الطبعة الأولى، قم، مجمع البحوث العلمیه.
- بحرانی، شیخ یوسف، **الحقائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة** (۱۴۰۵ق)، ج ۱۹، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- بهجت، محمد تقی (بی تا)، **جامع المسائل**، ج ۲، چاپ اول، قم، بی نا، مندرج در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت (ع).
- جواهری، حسن محمد تقی (بی تا)، **رسائل فقهیه (الربا فقهياً و اقتصادياً)**، بی نا، مندرج در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت (ع).
- حکیم، سید محسن الطباطبایی (۱۴۱۰ق)، **تعلیق منہاج الصالحین**، ج ۲، الطبعة الأولى، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- حلبی، ابن زهره (۱۴۱۷ق)، **غنیة النزوع إلى علمی الاصول والفروع**، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة الإمام الصادق.
- حلی، ابن ادریس (۱۴۱۱ق)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، ج ۲، الطبعة الثانية، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- حلی، أبو القاسم نجم الدین جعفر بن الحسن بن سعید (۱۴۲۱ق)، **شرايع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام**، ج ۴، چاپ پنجم، تهران، انتشارات استقلال.
- حلی، أبو القاسم نجم الدین جعفر بن الحسن بن سعید (۱۴۱۲ق)، **نکت النهایه**، ج ۲، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- حلی، جمال الدین مقداد بن عبد... السیوری (۱۴۰۴ق)، **التقیح الرائع لمختصر الشرایع**، ج ۲، الطبعة الأولى، قم، من منشورات مکتبه آیة... العظمی المرعشی النجفی.
- حلی، حسن بن یوسف بن المطهر الاسدی (۱۴۱۰ق)، **إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان**، ج ۱، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- حلی، حسن بن یوسف بن المطهر الاسدی (۱۴۲۰ق)، **تذکره الفقهاء**، ج ۱۰، الطبعة الأولى، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- حلی، یحیی بن سعید، **الجامع للشرائع**، (۱۴۰۵ق)، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
- خراسانی، ملا محمد کاظم (۱۴۲۷ق)، **کفایه الاصول**، ج ۳، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- خمینی، السید روح الله الموسوی (بی تا)، **تحریر الوسيلة**، ج ۱، قم، مؤسسه النشر الإسلامي.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، **جامع المدارک فی شرح مختصر النافع**، ج ۳، الطبعة الثانية، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- خویی، ابو القاسم (۱۴۱۰ق)، **منہاج الصالحین**، ج ۲، الطبعة الثامنة والعشرون، قم، مدينة العلم.
- رہامی، محسن و حیدری، علی مراد (۱۳۸۳)، "شناخت جرایم بدون بزه دیده"، **مدرس علوم انسانی (فصلنامه علمی - پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس)**، شماره ۳۷، صص ۱۱۲-۱۳۰.
- سیزوری، مولى محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ق)، **کفایة الفقه (کفایة الأحکام)**، ج ۱، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- سیستانی، سید علی (بی تا)، **منہاج الصالحین**، ج ۲، بی نا، مندرج در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت (ع).
- صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۰ق)، **تعلیق منہاج الصالحین**، ج ۲، الطبعة الأولى، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۹۷۳م)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، المجلد الثاني، الطبعة الثالثة، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی الیزدی (۱۴۲۹ق)، **سید محمد کاظم، العروة الوثقی**، ج ۶، الطبعة الثالثة، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- طوسی، أبو جعفر محمد بن الحسن (۱۴۰۰ق)، **النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی**، الطبعة الثانية، بیروت، دار الکتب العربی.
- طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸)، **المعروف بابن الحمزه، الفضیله إلى نيل الوسيله**، الطبعة الأولى، قم، مکتبه آیة... المرعشی النجفی.
- عاملی، زین الدین بن علی الجبجی (۱۴۲۷)، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، ج ۲، الطبعة الثانية، قم، مجمع الفكر الاسلامی.
- عاملی، زین الدین بن علی بن احمد الجبجی (۱۴۱۳ق)، **مسالك الافهام إلى تقیح شرایع الاسلام**، ج ۳، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیه.
- عاملی، سید محمد جواد الحسینی (بی تا)، **مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه**، ج ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، شمس الدین محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، **الدروس الشرعیة**، فی فقه الامامیه، ج ۳، الطبعة الثانية، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- عاملی، محمد بن الحسن الحر (۱۳۶۷)، **وسایل الشیعة**، ج ۱۲، الطبعة السادسة، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- عراقی، آقا ضیاء الدین علی بن ملا محمد کبیر کزازی (۱۴۱۴ق)، **شرح تبصرة المتعلمین**، ج ۵، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- قمی، علی بن بابویه (۱۴۰۶ق)، **فقه الرضا**، الطبعة الأولى، قم، مؤسسه آل البيت.
- قمی، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (۱۴۱۵ق)، **المقنع**، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة الامام الهادی.
- قمی، ابو القاسم بن محمد بن الحسن (۱۴۱۳ق)، **جامع الشتات فی أجوبة السؤالات**، ج ۲، چاپ اول، تهران، مؤسسه کیهان.
- کرکی، علی بن حسین عاملی (۱۴۱۴ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، ج ۴، الطبعة الثانية، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- کیدری، قطب الدین محمد بن حسین (۱۴۱۶ق)، **إصباح الشیعه بمصباح الشریعه**، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة الامام الصادق.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۵)، **ربا، بانک و بیمه**، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ق)، **فقه الامام الصادق (ع)**، ج ۳، الطبعة الثانية، قم، مؤسسة انصاریان.
- مقدسی الحنبلی، عبد... بن قدامه (بی تا)، **المغنی**، ج ۴، بیروت، دار الکتب العربی.
- موسوی البجنوردی، سید میرزا حسن (۱۴۱۹ق)، **القواعد الفقهیه**، ج ۵، الطبعة الأولى، قم، نشر الهادی.

موسوى البغدادي، على بن الحسين (١٤١٥ ق)، الإنتصار، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى.  
موسوى البغدادي، على بن الحسين، (١٤٠٥ ق)، رسائل المرتضى، ج١، چاپ اول، قم، دارالقرآن.  
نجفى، محمدحسين (١٣٧٤)، جواهر الكلام فى شرح شرايع الإسلام، ج٢٣، الطبعة الرابعة، تهران، دارالكتب الإسلاميه.

## INFLUENCE OF KINSHIP UN USURY CRIME

**Seyed Mohammad Hosseini\***

*Associate Professor of Law, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran*

**Ali Morad Heydari**

*Professor assistant, Law Department, Hazrate Massoomeh University*

### **Abstract:**

Usury is forbidden in islamic jurisprudence. however in shi,i jurisprudenc in acoordance with narration it is not forbidden between some of relatives. For example usury is permissible between father and his child and also betwen husband and his wife. Permission of usury between such people has been recognized by Iran Statutory Criminal law . subsection 3 of article 595 of Islamic Penal Code provided that usury is not forbidden between fahter and his child and between husband and his wife. Nevertheless in sunni jurisprudence kinship has no influence in usury crime and this crime occurred among relatives similar to another people.

### **Key Words:**

Kinship, Usury, Husband, wife, father, child.